

شنبه ۲۸ فروردین ۱۳۹۵ • سال سیزدهم • شماره ۲۵۶۰ • ۹

شرق روزنامه

نگاه

یمن: تکرار تجربه افغانستان

در میان بدبختی و مصیبتی که یمن به آن گرفتار شده است، دو جوان که یکی‌شان در عدن و دیگری در صنعا زندگی می‌کنند احساس می‌کنند تا اینجا به نسبت خوش‌شانس بوده‌اند. زیرا هنوز کارشان به جایی نرسیده که گرسنگی بکشند یا ویرانی‌ها نیز هنوز خانه‌های آن دو را شامل نشده است. آنها تا به‌حال بارها از انفجار بمب‌ها و شلیک گلوله‌ها رسته‌اند بدون اینکه آسیبی ببینند. ولی هر دو، دوست دارند از وطنشان که به جهنمی تبدیل شده، بگریزند هرچند هیچ‌یک راهی برای خروج پیدا نمی‌کنند. «نسمه العزبی» که ۲۱ سال دارد و دانشجوی رشته مهندسی در شهر جنوبی عدن است، می‌گوید: «نمی‌خواهم زندگی‌ام را بر رؤیا تلف کنم». او به‌دنبال یک بورس تحصیلی است تا به‌عنوان یک پاسپورت از آن استفاده کرده و به یک کشور امن اروپایی برسد. او می‌گوید: «نمی‌خواهم مثل یک پناهنده از یمن بروم و جای دیگری زندگی کنم». «خلود العبسی» ۲۷ ساله که کارش را در یک شرکت خدمات نفتی در صنعا از دست داده، می‌گوید: «احساس می‌کنی مرگ هر لحظه در کمین توست. از آسمان هواپیماهای سعودی و از زمین اتومبیل‌های بمب‌گذاری‌شده و انفجارها و درگیری‌ها روی می‌دهد. قیمت جان یمنی‌ها خیلی ارزان شده است». او در یک تماس تلفنی از خانه‌اش در صنعا به خبرنگار رویترز می‌گوید: «من پاسپورت دارم و آماده سفر هستم». اما تاکید می‌کند سفر برای او به یک رؤیا تبدیل شده است چون خانواده‌اش به دلیل تخریب به او اجازه نمی‌دهند. او درعین‌حال می‌گوید که برای تحصیلی در خارج پول دارد و می‌تواند زندگی جدیدی را شروع کند. با سفرکردن به وسیله قایق یا به صورت پناهنده به‌شدت مخالف است و می‌گوید: «خیلی خطرناک است. بهتر است اینجا در خانه‌ام بمانم و بمیرم تا اینکه در غربت بمیرم».

سوءتقدیریه کودکان

تعداد کسانی که تاکنون از یمن گریخته‌اند به حدود ۱۷۰ هزارنفر می‌رسد. اکثر آنها به جیبوتی، اتیوپی و سودان رفته‌اند. با توجه به مشکلات متعدد کشور این احتمال وجود دارد که افراد روانه کشورهای اروپایی شوند. بااین‌حال دریچه خروج از یمن به آسانی سایر کشورها نیست زیرا یمن از یک‌سو به ساحل اقیانوس و از طرف دیگر به صحرای عربستان می‌رسد. کشور یمن جز با عربستان سعودی و سلطنت‌نشین عمان مرز مشترک ندارد و این دو کشور نیز اجازه عبور یمنی‌ها را نمی‌دهند. جنگ، هزینه سنگینی را بر کشور تحمیل کرده و ۲۶ میلیون‌نفر یمن وارد کرده است. آنها مجبورند در کشوری فقیر که از مشکلات ساده‌ای مثل تأمین آب، رنج می‌برد با فساد و سومدیریت حکومت‌ها سر کنند. برآوردهای سازمان ملل متحد می‌گوید در جنگ اخیر حدود شش‌هزارنفر کشته شده‌اند که نیمی از آنها را شهروندان عادی تشکیل می‌دهند. به گفته این منبع، پنج‌هزارنیم مردم یمن نیازمند کمک‌های خارجی هستند. بیش از نیمی از یمنی‌ها از گیمود شدید شکیب‌های دیگری نمی‌برند. جنگ بیش از ۲۰۴ میلیون‌نفر را مجبور به فرار از خانه‌هایشان کرده است.

رؤیاهای برادررفته

خلود درباره زندگی‌اش پیش از جنگ چنین می‌گوید: «آرزوهایی داشتم. برای خودم برنامه‌ریزی کرده بودم؛ اما جنگ همه‌چیز را با خود برد. الان جز به این فکر نمی‌کنم که امروز می‌میرم یا فردا. احساس می‌کنم مانند مرده‌ها هستم اما هنوز نفس می‌کشم». کشوری را که او عزت‌نامه را باهمال از هم گسیخته شده است. او می‌افزاید: «الان شکاف بزرگی بین یمنی‌ها به وجود آمده است. قبلا ما همه با شیعه یا سنی بودیم، به مساجد واحدی می‌رفتیم و با هم در یک منطقه جمع می‌شدیم اما این جنگ ما را وادار کرد تا از هم بپرسیم چه دینی داری و به چه حزبی وابسته هستی؟» خلود درباره وضعیت معیشتی مردم نیز می‌گوید: «بسیاری از مردم به‌دنبال غذا و پول هستند. بعضی‌شان تحصیل‌کرده هستند اما شغلی ندارند و حتی نمی‌توانند غذایی برای فرزندان‌شان تهیه کنند. این جنگ عزت همه را باهمال کرد. احساس می‌کنم این وضعیت دیگر غیرقابل‌تحمل است. هرچند وضع من از خیلی‌های دیگر بهتر است». خلود می‌گوید احساس تنهایی می‌کند چون دوستانش یمن را ترک کرده‌اند. او غمگین است چون جنگ بعضی از نزدیکانش را قربانی کرده. او در کنار کارهای روزمره خانه، در فیس‌بوک فعال است و خبرها را دنبال می‌کند. این تنها کانالی است که به‌سرعت محل حملات هوایی در آن اعلام می‌شود. می‌گوید: «وقتی صدای بمب‌ها می‌شنویم می‌رویم در فیس‌بوک تا بدانیم دقیقاً کجا فرود آمده است». او هرچند از حوثی‌ها دفاع نمی‌کند اما از عربستان نیز دل خوشی ندارد و می‌گوید: «یمن ویران شد. عربستان و کشورهای دیگر حامی‌اش مردم بی‌گناه را می‌کشند. بسیاری از شهروندان بی‌گناه در این جنگ کشته شدند».

رکود نظامی

جنگ در یمن دشمنی‌ها بین شیعه و سنی را تشدید کرده است؛ همچنین جنگ بین شمال و جنوب که روزگاری موجب تجزیه یمن و تشکیل دو دولت مستقل شده بود. هنوز هم جدایی‌طلبان جنوب در رؤیای تجزیه این کشور هستند. تنها گروه‌هایی که از این اشفته‌بازار سود بردندد القاعده و داعش هستند. این گروه‌ها در یمن جایی پای برای خود پیدا کرده‌اند و این همان چیزی است که آمریکا، بریتانیا، فرانسه و سایر کشورهای غربی به‌عنوان اصلی سلاح به عربستان هستند نگارن کرده است. کشورهای غربی به‌جز سلاح و مهمات اطلاعات ماهوارها در اختیار عربستان می‌گذارند. این در حالی است که کمیته وابسته به سازمان ملل متحد این جنگ را «تجاوزات گسترده و برنامه‌ریزی‌شده برای کشتن شهروندان» توصیف می‌کند.

نمونه افغانستان

نسمه و برادرانش دویار مجبور شدند به جایی پناه ببرند. یک‌بار سوار بر خودرو همسایه‌شان به‌همراه پنج‌نفر از افراد خانواده آنها به خانه عمه‌شان رفتند زیرا یک موشک به خانه همسایه‌شان خورده بود. چندروز بعد موشک‌ها و خمپاره‌ها به همان محله‌ای خورد که عمه‌شان در آنجا زندگی می‌کرد. بنابراین مجبور شدند به خانه مادرزنگشان بروند». تروورهای مکرر و مشکوک، حملات شبه‌نظامیان وابسته به داعش و سایر گروه‌ها و حتی باندهای تبهکار در ماه‌های اخیر در عدن بیشتر شده است. در این شهر همه‌گونه رن و آزادی یافت می‌شود. نسمه درحالی که فکر می‌کند، می‌گوید: «می‌گویند وابسته به داعش هستند اما کسی چه می‌داند. اگر جرئت کنند شاید روزی به خانه‌هایمان بریزند و از ما بخواهند که به آنها خدمت کنیم. نمونه افغانستان دارد در اینجا تکرار می‌شود». همین نگرانی‌هاست که او را وامی‌دارد تا تصمیم به فرار از کشور بگیرد. او می‌گوید فقط برای آینده‌ای بهتر و تاکید می‌کند: «همه به فکر رفتن هستند، اما چگونه و به کجا؟»
منبع: رویترز

زاویه

هیلاری کلینتون مدیر بهتری است

رای‌دهندگان آمریکایی به «هیلاری کلینتون»، کاندیدای ریاست‌جمهوری پیشرو حزب «دموکرات»، اعتماد بیشتری به نسبت رقیب جمهوری‌خواهش، «دونالد ترامپ»، در مدیریت مسائل مختلف از جمله، مهاجرت، بهداشت و درمان و حتی انتصاب قضات دادگاه عالی آمریکا دارند. براساس یک نظرسنجی جدید انجام‌شده از سوی AP-Gfk، آمریکایی‌ها در پاسخ به این پرسش که کدام‌یک از این دو کاندیدای ریاست‌جمهوری در «باعضمت‌کردن آمریکا» بهتر عمل می‌کنند، با وجود آنکه دونالد ترامپ این کار را به‌عنوان وعده اصلی خود انتخاب کرده، با برتری کمی کلینتون را به ترامپ ترجیح می‌دهند.

براساس این نظرسنجی، ۳۸ درصد آمریکایی‌ها در حوزه اقتصاد به کلینتون بیشتر از ترامپ اعتماد دارند اما ۳۵ درصد نیز در این حوزه ترامپ را ترجیح می‌دهند. باوجود اینکه آمریکایی‌ها به‌طورکلی کلینتون را درخصوص طیفی از مسائل به ترامپ ترجیح می‌دهند اما تنها ۲۰ درصد از آنها می‌گویند کلینتون نماینده «خیلی‌خوب» برای دیدگاه‌های آنها در مسائل مهمشان است. درحالی‌که ۲۳ درصد گفته‌اند که کلینتون در این زمینه نماینده «تا حدی خوب» برای دیدگاه‌هایشان است.

بااین‌حال این آمار برای ترامپ بدتر است و تنها ۱۵درصد از آمریکایی‌ها می‌گویند ترامپ نماینده «خیلی‌خوب» برای دیدگاه‌های آنهاست و ۱۴ درصد نیز او را نماینده «تا حدی خوب» دانسته‌اند.

همچنین حمایت رای‌دهندگان جمهوری‌خواه ثبت‌نام‌کرده از ترامپ در برخی مسائل ضعیف بوده است و کمتر از ۵۰ درصد از آنها گفته‌اند که به کلینتون در زمینه همکاری با نگره با مدیریت وجهه آمریکا در خارج از این کشور اعتماد دارند درحالی‌که یک‌چهارم از این رای‌دهندگان می‌گویند که هیچ‌یک از این دو کاندیدا را برای مدیریت این مسائل ترجیح نمی‌دهند.

حوزه‌هایی که کلینتون در آنها به نسبت ترامپ آرای بیشتری از میان آمریکایی‌ها در این نظرسنجی کسب کرده، حوزه‌های مربوط به سیاست خارجی و سیاست داخلی هستند. کلینتون توانسته در زمینه مدیریت مسائل مهاجرت، بهداشت و درمان، وجهه آمریکا در جهان، انتصاب سمت‌های خالی در دادگاه عالی، تجارت بین‌الملل و همکاری با نگره برتری چشمگیری به نسبت ترامپ داشته باشد و بیشترین برتری او مربوط به مسئله زرابری جسیتی است که ۵۵ درصد از آمریکایی‌ها او را ترجیح داده‌اند، درحالی‌که تنها ۱۲ درصد از ترامپ در این حوزه حمایت کرده‌اند. کلینتون درخصوص اینکه «چه کاندیدایی برای حفاظت از آمریکا مورد اعتماد است»، برتری اندکی به نسبت ترامپ دارد و ۳۷ درصد از آمریکایی‌ها او را ترجیح داده‌اند، درحالی‌که ۳۱ درصد ترامپ را ترجیح داده‌اند. این اختلاف‌رای بین این دو کاندیدا در مورد این سؤال که آمریکایی‌ها به کدام‌یک از آنها برای تأهید ایجادشده از سوی گروه تروریستی داعش» اعتماد می‌کنند هم وجود دارد. با وجود اینکه ترامپ وعده داده که کلینتون درخصوص اینکه «چه کاندیدایی برای حفاظت از آمریکا» به عظمت می‌رساند» اما ۲۳ درصد از آمریکایی‌ها در پاسخ به اینکه کدام‌یک از دو کاندیدا «آمریکا را به عظمت می‌رساند»، کلینتون را ترجیح داده و ۲۸ درصد ترامپ را انتخاب کرده‌اند. ۳۰ درصد نیز گفته‌اند که به هیچ‌یک از این دو کاندیدا برای آنکه آمریکا را به عظمت برساند اعتماد ندارند.



«ترامپیسم» خطری همیشگی برای جاهلان جامعه غرب

دیوانگی‌های یک میلیاردر

و در چنین شرایطی، طیف مخاطبان در کارزار انتخاباتی تمایل به انتخاب گزینه متمایزتر دارند. آنچه امتحان نشده و جدیدتر به نظر می‌رسد مطلوب جامعه هدف می‌شود و مردم تحت‌تأثیر این امواج بلند آلوده به هیجانات سیاسی، تمایل پیدا می‌کنند قدرت را به دست آن کسی بسپارند که «متفاوت‌تر» عمل می‌کند. به زبان دیگر حامیان ترامپ همان کسانی هستند که معتقدند لیبرالیسم یک مدینه فاضله جدید برای آنان در نظر ندارد و هرچه دارد از گذشته باقی مانده و حرف تازه‌ای برای گفتن نیست. در چنین شرایطی اگر یک «دونالد ترامپ» ظاهر شده و از رؤیای آمریکای عظیم گذشته و دوباره‌سازی آن سخن بگوید، می‌تواند بهترین استفاده را از شرایط موجود ببرد.

از سوی دیگر نباید از خاطر برد که طیف گسترده‌ای از مردم جامعه آمریکایی بایند به اصول اخلاقی محافظه‌کارانه‌ای هستند که اندیشه لیبرالی در تقابل با آنها قرار دارد؛ اصولی همچون سقط جنین یا ازدواج همجنس‌گرایان که در قالب قواعد دنیای لیبرال، به سمت عادی‌سازی پیش می‌رود، اما همچنان محافظه‌کاران ارزش‌گرا، توان پذیرش آن را ندارند. ترامپ با خود متعلق به این طیف است یا تمایلات آنها را به‌خوبی شناخته و انگشت خود را روی کانون تقابل حامیان لیبرالیسم و محافظه‌کاری آمریکایی فشار می‌دهد. در این مسیر بی‌شک این تقابل تشدید شده و طیف قابل‌توجه‌تری به سمت حمایت از مرد اخلاق‌گرای محافظه‌کار که دل در گرو فردای آمریکا دارد، روانه می‌شوند!

درعین‌حال، محافظه‌کاران در آمریکا همیشه مقوله امنیت کشور در به‌عنوان نقطه‌ضعف مشترک به لیبرال‌های دموکرات نسبت داده و تأمین امنیت را در محور اصلی برنامه‌های خود قرار می‌دهند. امنیت در آمریکا که نسبت مستقیم با جریان قدرت پیدا می‌کند همیشه دست سیاست‌گذاران را برای نكوهش جریان سیاسی مقابل باز گذاشته و حامیان زیادی را اطراف خود جمع می‌کند. دلیل آن نیز روشن است. کشور پهناوری که قصد برقراری امنیت هژمونیک در جهان را در برنامه‌های خود دارد، باید در مرحله نخست امنیت همه‌جانبه خود را تأمین کند.

آنچه که ترامپ را با وجود افراط در وعده‌های غیرعقلانی، موفق به جلب آرای بخشی از آمریکاییان کرد، استفاده او از این تکنیک بود که میان خواسته‌های موجود، اختلاف‌برانگیزترین آنها را انتخاب کند. اکنون طبقه متوسط آمریکا کانون هدف ترامپ قرار گرفت. این طبقه هم گلابه‌های مالی دارد و هم شرایط اجتماعی امروز آمریکا را دلیل وضعیت خویش می‌بیند

-
-
-

قدعلم‌کردن طبقه متوسط آمریکایی

نمی‌توان استفاده از پوپولیسم انتخاباتی را تنها متعلق به دونالد ترامپ دانست. اما آنچه که این بهره‌کشی را درباره او متمایز با «برنی سندرز» یا حتی «تد کروز»، جمهوری‌خواه می‌کند، درآمیختگی این ابرار با اندیشه راست‌گرایانه است. به عبارت ساده‌تر، آنچه که ترامپ را با وجود افراط در وعده‌های غیرعقلانی، موفق به جلب آرای بخشی از آمریکاییان کرد، استفاده او از این تکنیک بود که میان خواسته‌های موجود، اختلاف‌برانگیزترین آنها را انتخاب کند. اکنون طبقه متوسط آمریکا درحال حاضر که از لحاظ اقتصادی در شرایط پایین‌تری نسبت به گذشته قرار دارد، کانون هدف ترامپ قرار گرفت. این طبقه هم گلابه‌های مالی دارد و هم شرایط اجتماعی امروز آمریکا را دلیل وضعیت خویش می‌بیند؛ بنابراین خواهان تغییر جلوه عمومی آمریکا و بازگشت دوره‌ای جدید از آمریکای بر قدرت است. از نگاه این قشر عامل مشکلات کنونی آمریکا در درجه نخست «بیگانگان» هستند؛ مسلمانانی که ترامپ وعده اخراج آنان را داد یا مکزیک‌ی‌ها و همسایگانی که نباید پس از این اجازه ورود به خاک کشور را داشته باشند. همچنین باید تعرفه ۴۵ درصدی برای واردات کالای چینی تعیین کرد تا این کشور نیز نتواند اقتصاد خود را در آمریکا بازسازی کند.

پس ترامپ، نماینده طبقه متوسطی شده که آمریکای امروز را نمی‌خواهد. نگران امنیت خود و آمیدی است که روبه زوال است؛ طبقه‌ای که آشکارا در برابر دولت ایستاده و تقابل با سیاست‌های مرکزی می‌خواهد. به نظر این طبقه، اسلام‌هراسی، مخالفت با رابطه‌های اقتصادی با کشورهای آسیایی، مقابله با ایران و تاکید بر «اصالت خاص آمریکایی» می‌تواند راهگشای مشکلات امروز آمریکا باشد. پس حضور و ظهور فردی مانند ترامپ نمی‌تواند به‌یک‌باره اتفاق بیفتد.

درعین‌حال که پوپولیسم ابزاری ویژه ایام انتخابات است، شخصی مانند ترامپ نیز به‌خوبی می‌تواند از آن استفاده ببرد. ترامپ برنامه کاهش مالیات به منظور راه‌اندازی مجدد اقتصاد، مخالفت با رابطه‌های میان مکزیک و آمریکا را وعده داد. با این سخنرانی‌ها، آنچه که در مرحله نخست به چالش کشیده می‌شد، اندیشه لیبرالی بود که بیدارت، اما آرام‌تر از تفکرات خفته محافظه‌کارانه قرار داشت؛ اندیشه‌ای که ترامپ از آن بیشترین بهره را گرفت و در جهت مخالف رودخانه آرام لیبرال‌های پیر و گفته‌های تکراری به شانکردن پرداخت.

فرست‌طلبی ترامپ از رازهایتی‌ها

همین امر باعث تشدید هیجانات سیاسی در میان حامیان ترامپ شد

فرست‌طلبی ترامپ از رازهایتی‌ها